



پیشگیری در فرهنگ اسلامی

اعظم قاسمی

پیشگیری از معلولیت به معنای «مانعت از پیدایش یا گسترش معلولیت» و به عنوان یک دانش یا حرف مستحدث و جدید است؛ در دوره باستان و قرون نخست اسلامی وجود نداشته است. اما بعضی از گونه‌های ساده پیشگیری در دوره‌ی قدیم، به چشم می‌خورد. و درباره این موارد روایاتی به دست ما رسیده است. این مقاله به اجمال برخی روایات و آیات را در چند محور معرفی می‌کند.

تقوا: از ریشه وقایه به معنای محافظت از آسیب‌ها و حراست از خطرات است. این واژه و مشتقات آن بیش از ۲۵۰ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. وقایه در ادبیات عرب به ویژه در قرون جدید به معنای پیشگیری هم به کار می‌رود؛ اما حفاظت و مصونیت از آسیب به عنوان لب و جوهره‌ی مفهوم تقوا با پیشگیری ارتباط وثیق دارد؛ زیرا پیشگیری از آسیب و خطر به مصونیت از آسیب و خطر می‌انجامد. شاید به همین دلیل است که در فرهنگ جدید کشورهای عربی، وقایه به عنوان معادل پیشگیری به کار رفته است. اما معنای خویشتن‌داری که همواره و اغلب برای وقایه استفاده می‌شده، از این جهت که انسان خویشتن‌دار در خطر و مهلکه نمی‌افتد، از این‌رو چنین فردی از آسیب دیدن و فرو غلتیدن در خطرات پیشگیری می‌کند. بنابراین وقایه و تقوا هرگونه معنا شود با پیشگیری ارتباط پیدا می‌کند.

خلاصه اینکه همه اقسام پیشگیری در تقوا، نقش مهم و اساسی دارد؛ زیرا پیشگیری در صورتی موفق خواهد شد که انسان نقش خود را به خوبی ایفا کند. و انسانی متقی می‌تواند با درایت و حزم اندیشی، نقش محوری در پیشگیری داشته باشد.

در پیشگیری ترافیکی، پیشگیری انفجار مین، پیشگیری غربالگری و پیشگیری تشخیص زودهنگام، اگر انسان‌هایی خودساخته، آگاه و مسلط بر خویشتن حضور داشته باشند، مسیر پیشگیری به خوبی پیش خواهد رفت اما برعکس اگر انسان‌های خودخواه، منفعت‌طلب و مطیع لذایذ حضور داشته باشند پیشگیری جواب نخواهد داد. از این‌رو تقوا به معنای تسلط بر خویش، پاسداری هویت انسانی و خویشتن‌دار در برابر ناملايمات نقش اساسی در جریان پیشگیری دارد.

قرآن کریم می‌فرماید: ان الله يحب المتقين.^۱ یعنی خداوند افراد خویشتن‌دار که به سراغ خطرات و آسیب‌ها نمی‌روند دوست دارد.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: امنعُ حصون الدين التقوى.^۲

یعنی تقوی موجب امن‌ترین جامعه دینی می‌گردد. به طوری که هیچ میکروب، آسیب و ویروس نمی‌تواند در آن نفوذ پیدا کند. به عبارت دیگر با وجود انسان‌هایی خودساخته و خویشتن‌دار (متقی) آسیب‌ها توان ورود را نخواهند داشت و امن‌ترین و آبادترین جامعه پدید می‌آید.^۳

اولیور لیمن Oliver Leman درباره نقش و کارکرد تقوا در فرهنگ اسلامی مطالعات خوبی انجام داده و می‌نویسد: در جوهره تقوا، محافظت، مراقبت و پیشگیری هست. تقوا به معنای حفظ خود از خطرگاه‌ها است و نوعی آگاهی یا هوشیاری است. و به آیه فالهمها فجورها و تقویها^۴ استناد می‌کند. در ادامه می‌گوید: اتقوا الله معمولاً به ترس از خدا ترجمه می‌شود ولی این ترس به معنای وحشت از چیز وحشتناک نیست؛ بلکه آگاهی در قبال مسئولیت است. یعنی مراقبت آگاهانه و مانعت و پیشگیری هوشیارانه از خطرات و

۱. آل عمران، آیه ۷۶.

۲. غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳. دانشنامه قرآن کریم، اولیور لیمن، ترجمه محمدحسین وقار، ص ۱۵۰-۱۴۹.

۴. سوره شمس، آیه ۸.

آسیب‌ها.^۱ همین برداشت را مرحوم مطهری دارد و می‌نویسد: تقوا مصونیت نه محدودیت است تقوا پناهگاه و حفاظ است. و حضرت علی می‌فرماید: ان التقوی دار حصن عزیز یعنی تقوا حصار و با رویی بلند و غیرقابل نفوذ است.^۲

حضرت در جای دیگر می‌فرماید:

ان تقوی الله مفتاح سداد و نجات من کل هلكة یعنی تقوا کلید درستی و موجب رهایی از آسیب‌های مهلک است.^۳

خلاصه اینکه در اندیشه اسلامی، تقوا مثل پیشگیری عمل می‌کند و موجب رهایی انسان از آسیب‌ها و راهی برای ایجاد جامعه و افراد سالم است. اما از این منظر کمتر به تقوا پرداخته شده و پژوهشگران درباره این کارکرد تقوا کمتر تحقیق کرده‌اند. با توجه به اینکه جامعه هدف مسلمان‌اند، تمامی متون درباره پیشگیری که توسط نهادهای دولتی منتشر می‌شود حداقل مزین به چند آیه و روایت باشد. این روش موجب جذابیت بیشتر و کارایی افزون‌تر می‌گردد.

حمیت: در قرآن کریم واژه حمیت مثل الحمیة الجاهلیة (۲۱ سوره فتح) به معنای تعصب آمده و حمیت به معنای رژیم غذایی و پرهیز از خطرات و آسیب‌ها نیامده است. ولی در روایت فراوان به کار رفته است.

رژیم غذایی و اجرایی سفارشات و توصیه‌های پزشکی و سلامت جهت پیشگیری از امراض بسیار مهم است. اکنون بعضی از این روایات را می‌آورم: امام کاظم (ع): لیس الحمیة ان تدع الشئ اصلاً لا تأکله ولكن الحمیة ان تأکل من الشئ و تحفیف.^۴ یعنی حمیت رها کردن غذا و تعدیه و نخوردن نیست بلکه درست و کم‌خوردن است.

امام رضا (ع): رأس الحمیة الرفق بالبدن.^۵

یعنی مهم‌ترین و سرآمد حمیت‌ها، مدارا با بدن است. هر آنچه مناسب و مفید برای بدن است خورده شود و هر آنچه مضر و غیر مناسب است خورده نشود.

رسول خدا (ص): المعدة بیئ کل داء و الحمیة رأس کل دواء.^۶

یعنی معده محل همه دردها است و رژیم غذایی اساس همه درمان‌ها است. این مضمون در روایات متعدد و توسط معصومین (ع) بیان شده است.^۷ بالاخره بسیاری از نکات که دانشمندان سلامت و پزشکان در این دوره بیان می‌کنند، ذیل واژه حمیت (رژیم غذایی) در روایات معصومین (ع) آمده است.

۵. دانشنامه قرآن کریم، ص ۱۵۰.

۶. سیری در نهج البلاغه، ص ۱۳۴.

۷. همان، ص ۱۳۵.

۴. الکافی، ج ۸، ص ۲۹۱؛ دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص ۲۲.

۵. بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۱۴۱؛ دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص ۲۲.

۶. طب العلی، ص ۲.

۷. نگاه کنید به دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص ۲۵-۲۴.

گویای این است که اسلام به پیشگیری در همه زمان‌ها احترام می‌گذاشته و مواردی را به عنوان پیشگیری و صیانت مطرح می‌کرده است.

ژنتیک: برخی متون اسلامی تأکید بر وارث علم، ادب، تربیت، سلامتی، بیماری، حسب و نسب، صحت باور و شرافت و اخلاق مطلوب دارد. این همان نکته‌ای است که دانش ژنتیک می‌گوید. دانشمندان ژنتیک معتقدند برخی صفات و ویژگی‌های انسان طی قرون در انسان نهادینه و تثبیت شده است. مثلاً رنگ سیاه در سیاه‌پوستان آفریقا، چشم کوچک در ژاپن و چین و غیر از اینها هوش بعضی افراد در یادگیری برخی مطالب و کودنی، نداشتن هوش در دیگر جوامع؛ یا برخی معلولیت‌ها و بیماری‌ها در بعضی نسل‌ها تثبیت شده است. این مشکلات با تدابیر ژنتیکی و دستکاری‌ها یا اصلاح اختلالات تصحیح و درمان می‌شوند. این نکته در برخی روایات آمده است. نمونه‌هایی از این روایات معرفی می‌شوند:

تربیت و ادب ارثی است یعنی در ژن بعضی افراد موجود است. حضرت علی(ع) می‌فرماید:

لامیراث خیر من الادب.^۱ یعنی هیچ ارثی بهتر از ادب و تربیت نیست. ظاهر روایت گویای این است که پدری که فرزندش را تربیت می‌کند و ادب به او می‌آموزد پس از فوتش بهترین ارث را بر جای گذاشته است و ظاهراً تصریح می‌کند که ادب و تربیت اکتسابی است.

اما نکته‌ای در وراء این فرمایش هست و آن اینکه تا فردی قابلیت و صلاحیت کسب تربیت نداشته باشد، نمی‌تواند کاسب آن باشد و فقط کسانی صلاحیت دارند که ژن مربوطه را داشته باشند. اما کسانی که بالفطره جانی و ذاتاً پست و تربیت‌ناپذیر هستند، نمی‌توانند کاسب تربیت و اخلاق باشند.

رسول خدا(ص) می‌فرماید:

فِي الْإِنْسَانِ مُضْغَةٌ: إِذَا هِيَ سَلَمَتْ وَ صَحَّتْ، سَلَّمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ، فَإِذَا سَقَمَتْ سَقَمَ لَهَا سَائِرُ الْجَسَدِ وَ فَسَدَ وَ هِيَ الْقَلْبُ.^۲

یعنی در انسان عنصری است که نقش محوری دارد و اگر سالم و صحیح باشد، همه بدن انسان هم سلامت خواهد داشت و اگر سقیم باشد، همه قسمت‌های بدن هم فاسد و مریض خواهد شد.

نیز رسول خدا(ص) می‌فرماید:

إِذَا طَابَ قَلْبُ الْمَرْءِ طَابَ جَسَدُهُ وَ إِذَا خَبِثَ الْقَلْبُ خَبِثَ الْجَسَدُ.^۳

یعنی هر گاه عنصر محوری انسان که در گذشته به آن قلب می‌گفتند، پاک و بدون اختلال باشد، وجود آدمی هم سلامت خواهد داشت و اگر اختلال

یعنی پیامبر اکرم(ص) قبل از هر نماز مسواک می‌زد.

روایات بسیار درباره نظافت دهان و دندان از رسول خدا(ص) و ائمه(ع) نقل شده که جمع‌آوری آنها خود یک کتاب خواهد شد. در برخی از روایات آثار و تأثیر مسواک و نظافت دهان در پیشگیری از امراض و تأمین سلامتی گفته شده است.^۱

تغذیه: آیات، روایات و دستورات فراوان درباره تغذیه هست. اهمیت تغذیه در پیشگیری امراض و معلولیت‌ها بر کسی پوشیده نیست. متون درباره تغذیه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: آداب خوردن و آشامیدن؛ اطعمه و اشربه حرام و غیرقابل خوردن و موارد خوردنی و حلال؛ وظایف کسانی که می‌خورند و می‌آشامند.

برای نمونه دستوراتی درباره شراب و آشامیدنی‌های مست‌کننده هست که موجب آسیب‌های جسمی و روانی می‌شود و ننوشیدن آنها موجب پیشگیری از امراض می‌شود.

امام صادق(ع) می‌فرماید: فاللحم فی کلِّ ثلاثة فی الشهر عشر مرات لا اکثر من ذلك.

یعنی گوشت هر سه روز یک بار باید خورده شود و در هر ماه ده بار، نه بیش از این.

حضرت در واقع می‌خواهد بفرماید مصرف گوشت بیش از حد موجب بیماری و هلاکت می‌گردد. و پیشگیری از بیماری‌ها منوط به اعتدال در مصرف است که همان سه روز یکبار است.

آقای محمدرضا حکیمی روایت و آیات تغذیه و جایگاه آن در پیشگیری را به تفصیل در کتاب *سودمند الحیاة* آورده است.^۲

ازدواج: بخشی از آسیب‌ها و معلولیت‌ها از طریق ازدواج و آمیزش به وجود می‌آید. از این رو زوجین قبل از عقد لازم است به مشاوران ژنتیک مراجعه کنند، نیز به دیگر مشاوران و مراکز آسیب شناسی.

در فرهنگ اسلامی مبتنی بر آگاهی‌های صدر اسلام، اطلاعاتی موجود است. این اطلاعات چند گونه می‌باشد بعضی مرتبط به شخصیت زن و مرد، بعضی مربوط به آداب ازدواج است. در *وسائل الشیعه*، ج ۲۰ بخش مهمی از این روایات آمده است.

بخشی از این روایات که بیانگر تجارب و نکات پزشکی است، مبتنی بر دستاوردهای متعارف آن زمان است و تطبیق آنها با دستاوردهای دانش پزشکی جدید، نیاز به تحقیقات رجالی، درایه‌ای برای اثبات مشروعیت و حجیت آنها و سپس نیاز به تأملات کلامی دارد. ولی در مجموع

نظافت: قرآن کریم و رهبران دینی و سپس فقها و علمای اخلاق و پزشکان مسلمان بر طهارت، پاکیزگی، وضو، غسل، حمام رفتن، دست و پا و لباس را شستن تأکید فراوان دارند. در شرایطی این اعمال را واجب و ترک آن را گناه بزرگ می‌دانند.

امام رضا(ع) می‌فرماید:

من اخلاق الانبیاء التَّنْظِيفُ.^۱

یعنی پاکیزگی و رعایت نظافت جزئی از اخلاق نیک پیامبران است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ.^۲

یعنی خداوند پاکیزگان را دوست می‌دارد. به همین دلیل می‌فرماید:

يُنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيَطْهَرَكُمْ بِهِ.^۳

یعنی خداوند برای شما از آسمان آب فرستاد تا خودتان را شستشو دهید.

رسول خدا(ص) هم فرمود:

الطَّهْرُ نِصْفُ الْإِيمَانِ.^۴

یعنی پاکیزگی و نظافت نیمی از ایمان است. تأثیر نظافت در پیشگیری بر کسی پوشیده نیست و در اسلام دستورات فراوان برای شستشوی دستان قبل از طعام؛ روش صحیح توالی و شستشوی اعضای بدن؛ نظافت مو، ناخن و لباس در هر شرایط آمده است.

مناسب است دستورات اسلام در زمینه نظافت و تأثیر آن در سلامت فرد و جامعه و اجرای بخشی از پیشگیری‌ها از این طریق جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل و منتشر شود. به ویژه کارکرد نظافت در جلوگیری از انواع معلولیت‌ها قابل بحث است.

مسواک و خلال: در فرهنگ اسلامی بسیار به نظافت و بهداشت دهان و دندان اهمیت داده شده است. زیرا ثابت شده بسیاری از میکروب‌ها و آسیب‌ها از طریق دهان و دندان منتقل می‌شود و یکی از روش‌های پیشگیری نظافت و بهداشت دهان و دندان‌ها است.

امام صادق(ع) از رسول خدا(ص) نقل می‌کند: انه كان يستاك في كل مرة من نومه.^۵

یعنی حضرت قبل از خواب مسواک می‌زد.

در روایت دیگر آمده: كان صلى الله عليه و آله يستاك الى اراد ان ينام.^۶

یعنی رسول خدا وقتی می‌خواست بخوابد، مسواک می‌زد.

در روایت دیگر از حضرت هست:

كان صلى الله عليه و آله يستاك لكل صلاة.^۷

۱. تحف العقول، ص ۳۳۰.

۲. بقره، آیه ۲۲۲.

۳. سوره انفال، آیه ۱۱.

۴. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۲۲۷.

۵. الوسائل، ج ۱، ص ۳۵۶؛ فروع کافی، ج ۱، ص ۱۲۴.

۶. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.

۷. الوسائل، ج ۱، ص ۳۵۶.

۱. نگاه کنید به *الآداب الطبیة فی الاسلام*، سید جعفر مرتضی‌العالمی، ص ۳۰۹-۲۹۱.
۲. *الحیاة*، ج ۱۰، صفحات متعدد؛ *کافی*، جلد ۵، ص ۵۱۱-۵۱۲.

۱. *بحار الانوار*، ج ۱، ص ۹۳.

۲. *الخصال*، ج ۱، ص ۳۱؛ *الحیاة*، ج ۱۰، ص ۳۲۴-۳۲۳.

۳. همان.

داشته باشد، بدن آدمی هم مشکل خواهد داشت. امام علی (ع) می‌فرماید:

لاعلم كطلب السلامة و لاسلامة كسلامة القلب.^۱ هیچ علمی چون طلب سلامت نیست و هیچ سلامتی مانند سلامت قلب نیست.

ظاهراً در دوره نخست اسلامی و قرون اول، ژن انسان را قلب می‌نامیده‌اند و آن را به عنوان قلب بررسی می‌کرده‌اند. منظورشان قلب به عنوان عضوی صنوبری شکل که کار خونرسانی را به بدن انجام می‌دهد نبوده است. بلکه از سخنان بزرگان اسلام اینگونه استنباط می‌شود که منظورشان از قلب یک عنصر مرکزی است که دارای نقش و کارآیی اساسی و زیربنایی در بدن انسان است. امروزه چنین عنصری را ژن می‌نامند.

این روایت رسول خدا(ص) هم محتوای جالبی دارد: النسبُ آدم و الحسبُ التقوی.^۲

یعنی همه مردم و انسان‌ها نسبتشان به حضرت آدم برمی‌گردد و فرزندان او هستند. اما تفاوت‌هایی دارند، دسته‌ای شریف‌تر و دسته‌ای ردئی‌تر؛ دسته‌ای دارای هوش و مهارت‌ها و دسته‌ای عقب مانده‌اند، اما محاسبه ویژگی‌های انسان‌ها به تقوای آنها بستگی دارد. تقوا را هم قبلاً توضیح دادیم که می‌تواند به عنوان یک عامل مهم در کرامت و شرافت انسانی ایفاء کند. بالاخره فرمایش‌های معصومین(ع) و رهبران اسلام در زمینه ژنتیک قابل توجه است ولی کسی تا کنون از این منظر به بررسی آنها نپرداخته است.

رفاه اجتماعی: اسلام به تأمین مسکن، آب آشامیدنی سالم و گوشت سالم، تأمین امکانات حداقلی زندگی برای همه افراد، رفع فقر و ظلم و اجرای مساوات و عدالت تأکید دارد. از منظر پیشگیری، کسانی که امکانات حداقلی ندارند و در اداره زندگی خود مشکل دارند، به دنبال انواع اقدامات خطرآفرین، اعتیاد، تن فروشی و غیره می‌روند. بنابراین پیشگیری از انواع آسیب‌ها منوط به این است که رفاه و عدالت اجتماعی تأمین گردد. در واقع این آسیب‌ها اغلب به معلولیت هم منجر می‌شود. ایدز از اعتیاد ناشی می‌شود و خود ایدز موجب ناتوانی و از کارافتادگی و معلولیت می‌گردد. لذا چرخه بسیاری از معلولیت‌ها به فقدان رفاه نسبی و عدالت نسبی در جامعه می‌رسد.

آقای محمدرضا حکیمی بیش از بیست پیامد منفی برای فقر بر اساس آیات و روایات بر شمرده است. مثلاً در متون اسلامی آمده که فقر موجب بدبختی و گرفتاری، مرگ واقعی، بی‌یاوری، لال شدن، غربت و شکستگی تن می‌شود. نیز می‌گوید فقر به نابودی جسم و انواع آسیب‌های جسمانی، نابودی اخلاقیات و فضایل، نابودی استعدادها و

توانایی‌ها می‌شود.^۱ اما رهبران دین راه‌ها و روش‌های فقرزدایی و پیشگیری از فقر و در نتیجه پیشگیری از انواع آسیب‌ها و معلولیت‌ها را بر شمرده‌اند.^۲ این هم نوعی از پیشگیری است که لازم است بر آن اهتمام و توجه شود.

نتیجه‌گیری

اسلام و متون قرآنی و روایی مسلمانان حاکی از انواع پیشگیری‌ها است. ذیل واژه‌های حصین و حصانت، صیانت، حراست، حمایت، تقوا و وقایه، احتیاط و درء و مراقبت می‌توان به نکات و مطالب جالب در این باره رسید. نیز ذیل غذا و تغذیه، شرب و اکل، کم خواری، ضرر زیاده خواری و پرخوری، فواید میوه خواری، ورزش (ریاضه)، مسواک و خلال، نکاح و زواج می‌توان در مورد مرجعیت و اساس بودن پیشگیری مطالب سودمندی یافت.

مهم این است تاکنون متون اسلامی بر اساس دانش‌ها و تجربه‌های مدرن و روز، بازخوانی و به روز نشده است. البته باور نداریم در اسلام همه اجزاء دانش‌های سلامت، بهداشت، ژنتیک و همه دستاوردهای علمی و اجتماعی پیشگیری را می‌توان یافت؛ و نمی‌گوییم بخش پیشگیری دانش بهداشت در فرهنگ اسلامی وجود دارد. بلکه آنچه دین متکفل آن است صرفاً بیان اصول و مواضع کلی و راهنمایی بنیادی و اخلاقی پیروان است. یعنی خطمشی کلی را می‌توان از آموزه‌های دینی استخراج کرد ولی جزئیات در علوم تجربی و دیگر دانش‌ها بشری عرضه شده است. لازم است امهات و مواضع کلی دین درباره پیشگیری به روز تدوین و عرضه شود.

مآخذ

الأداب الطبیة فی الاسلام، سید جعفر مرتضی‌العالمی، ترجمه لطیف راشدی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰؛ بحارالانوار، محمداقرب بن محمدتقی مجلسی، کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر(عج)، تهران، ۱۳۶۳؛ تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبه، ترجمه صادق حسن‌زاده، نشر آل علی، قم، ۱۳۸۲؛ الحیة، محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی و علی حکیمی، انتشارات دلیل ما، تهران، ۱۳۹۱؛ الخصال، محمدبن علی ابن بابویه، علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۲؛ دانشنامه قرآن کریم، اولیور لیمن، ترجمه محمدحسین وقار، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۹۱؛ سوره انفال، آیه ۱۱؛ سوره آل عمران، آیه ۷۶؛ سوره بقره، آیه ۲۲۲؛ سوره شمس، آیه ۸؛ سیری در نهج البلاغه، شهید مرتضی مطهری، نشر صدرا، تهران، ۱۳۸۹؛ غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، ترجمه محمدعلی الانصاری القمی، موسسه انتشاراتی امام عصر(عج)، چاپ اول، قم، ۱۳۸۰؛ کافی، محمد بن یعقوب کلینی، جواد مصطفوی، کتاب‌فروشی علمیه اسلامی، تهران، ۱۳۶۹؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری، دانشنامه احادیث پزشکی، به کوشش محمد ری شهری، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۱؛ نشر آل‌البیت، بیروت، ۱۴۰۸.

۱. الحیة، ج ۴، ص ۳۳۰-۳۸۰؛ ج ۹، ص ۱۹۱ به بعد.
۲. همان، ص ۵۱۶-۴۷۲.



پیشگیری از معلولیت در قوانین ایران

علی نوری

مهم‌ترین قوانینی که احتمال داشتن موادی درباره پیشگیری هست، قانون حمایت از حقوق معلولین مصوب سال ۱۳۸۳؛ کنوانسیون حمایت از معلولین و قانون تأسیس سازمان بهزیستی. اما در قانون مصوب ۸۳ سخنی از پیشگیری به میان نیامده است. در کنوانسیون در بخش سلامت و در بخش اشتغال مختصراً به پیشگیری پرداخته شده و در قانون تأسیس سازمان هم مختصراً در دو بند، پیشگیری آمده است. تا کنون هیچ قانون مستقلی در زمینه پیشگیری در ایران تصویب نشده است.

این مقاله نخست به معرفی کنوانسیون و الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن و سپس مواد مرتبط به پیشگیری و در فصل دوم به پیشگیری در قانون تأسیس سازمان بهزیستی می‌پردازد.

الحاق به کنوانسیون حمایت از معلولین

ملحق شدن ایران به این پیمان‌نامه به صورت لایحه، نخست در سال ۱۳۸۷ در هیئت دولت تصویب شد سپس به مجلس رفت و مجلس هم به آن رأی داد.^۱ در مجلس به دلیل ضرورت‌ها از جمله در پیش بودن روز جهانی معلولین و بر اساس ماده ۱۰۲ آیین‌نامه داخلی با بیش از ۱۸۰ امضاء از طرف نمایندگان در اولویت قرار گرفت و در صحن علنی مجلس مطرح شد و روز چهارشنبه ۱۳ آذر ۱۳۸۷ با رأی نمایندگان به تصویب رسید. شورای نگهبان ۴ دی‌ماه ۸۷ آن را تأیید کرد و همین روز طی نامه‌ای ریاست مجلس علی لاریجانی به رئیس‌جمهور وقت محمود احمدی‌نژاد ابلاغ کرد.^۲ در برخی از منابع و

۱. خبرگزاری مجلس شورای اسلامی، ۲ خرداد ۱۳۸۹.
۲. سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بخش قوانین و مقررات.